

نقش و جایگاه زنان در اسلام هراسی با رویکردی به دیدگاه امام خمینی(ره)

زهرا علیزاده*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۵

میناسادات طباطبایی**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۱۳

اعظم اعتمادی فرد***

چکیده

اسلام هراسی پدیده‌ای است که در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جریان است و اکنون زنان به عنوان ابزاری در جهت گسترش امواج اسلام هراسی توسط قدرت‌های غربی به کار گرفته می‌شوند چراکه مسأله زن، از مسائل بسیار مهم و از اساسی‌ترین و راهبردی‌ترین مسائل فکری هر جامعه است. این مسأله از دیرباز، در جوامع، در بین متفکرین و در اخلاق و عادات گوناگون ملت‌ها وجود داشته است. موج گسترده و سنگین تبلیغات رسانه‌ای همواره بر این مبنا بوده که زنان مسلمان زیر شدیدترین فشارها قرار دارند و از هیچ یک از آزادی‌های قانونی و شرعی خود برخوردار نیستند و در مقابل زنان غیر مسلمان با برخورداری از عدالت جنسیتی و تمامی آزادی‌ها و حقوق برابر با مردان به سرعت در حال طی کردن مسیرهای پیشرفت و ترقی هستند. در این پژوهش سعی بر این است که ابتدا تعریفی جامع از اسلام هراسی ارائه شود و پس از آن به ترتیب حقوق زنان مسلمان، رفتارهای تبعیض آمیز علیه زنان و بازتاب زنان مسلمان در سینمای هالیوود بررسی و در انتها راهکارهای قرآنی جهت مقابله با این پدیده و تخفیف آثار آن بیان شود.

کلیدواژگان: اسلام هراسی، زنان مسلمان، حجاب اسلامی، رسانه.

saeedbrn@yahoo.com

* استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دشتستان، بوشهر، ایران.

** استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد میمه، اصفهان، ایران.

etemadifard@iauyazd.ac.ir

*** استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، یزد، ایران.

نویسنده مسئول: زهرا علیزاده

مقدمه

اسلام هراسی مفهومی است که به ترس، پیش داوری و تبعیض غیر عقلانی در قبال اسلام و مسلمانان اشاره دارد. سابقه این اصطلاح به دهه ۱۹۸۰م بازمی‌گردد، اما پس از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱م مورد استفاده وسیع قرار گرفت. مؤسسه رانیمد تراست انگلستان، که به امر تبعیض و نفرت در این کشور می‌پردازد، در سال ۱۹۹۷م اسلام ترسی را به عنوان "ترس و نفرت از اسلام و بنابراین ترس و نفرت از تمامی مسلمانان" تعریف کرد و همچنین ابراز داشت که این اصطلاح بر تبعیض و طرد مسلمانان از زندگی اقتصادی، اجتماعی و عمومی کشور نیز دلالت دارد. اسلام ترسی همچنین در بردارنده این برداشت است که اسلام بدون ارزشی مشترک با دیگر فرهنگ‌هاست، در مقایسه با غرب در موقعیتی فرودست قرار دارد، و بیش از اینکه دین باشد یک ایدئولوژی سیاسی است.

با این تلقی می‌توان ادعا کرد که اسلام هراسی پدیده‌ای دیرین و با ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مشخص است که می‌طلبد در سطح اروپا و آمریکا- یعنی خاستگاه اولیه آن- بررسی مستقل و جداگانه‌ای گردد (مرشدی زاد، غفاری هسجین، ۱۳۸۷: ۱۱۴).

اشاعه یک تصویر خلاف واقع، منفی و غیر متساهل از اسلام به منظور ترویج یک حس توأم با تنفر و واداشتن ناخودآگاه مخاطبان به اتخاذ یک دیدگاه و رویکرد تعصب‌آمیز، جانبدارانه و تبعیض‌آمیز نسبت به اسلام و جوامع اسلامی مخرج مشترک تعاریفی است که از اسلام هراسی ارائه شده است.

برانگیختن حس تنفر نسبت به مسلمانان و تهدید جلوه دادن اسلام، دو عنصر اساسی در اسلام هراسی به شمار می‌رود.

در جهان غرب که مسلمانان در اقلیت به سر می‌برند، اسلام هراسی پیامدهای تلخ و سنگینی برای جامعه مسلمین داشته است؛ حمله به مساجد، نگرستن به مسلمانان به عنوان اجانب و با نگاهی بدبینانه، تبعیض در واگذاری مشاغل و مقام‌های مطلوب، زیر نظر داشتن و تحت مراقبت قرار دادن محله‌های مسلمان‌نشین به طور ویژه، نمونه‌هایی از این پیامدهاست (حسن خانی، ۱۳۸۹: ۴۷).

پیشینه تحقیق

نویسنده با وجود تلاش بسیار، موفق به پیدا کردن پژوهشی که به طور مستقیم به این موضوع پرداخته باشد، نشده است. در ادامه چندین تألیف در داخل و خارج از کشور که به صورت پراکنده به موضوع پرداخته‌اند آورده شده است.

حسن خانی (۱۳۸۹) به بررسی اسلام هراسی در رسانه‌های غربی پرداخت. وی بیان داشت که در نتیجه تلاش‌های گسترده و هماهنگ رسانه‌های غریب از جمله تایمز ترویج اسلام‌هراسی باورهای عمیق متعددی در ذهن و باور بخش عمدای از شهروندان اروپایی و آمریکایی مخاطب آن‌ها شکل گرفته است که اهم آن‌ها از این قرار است: این باور که اسلام یک آیین کهن است که قابلیت تطابق با مقتضیات زمان را ندارد؛ این باور که هیچ نقطه اشتراکی میان اسلام و سایر ادیان وجود ندارد؛ این باور که اسلام در مقایسه با غرب فرودست است؛ این باور که آموزه‌های اسلامی منسوخ شده و غیر عقلانی هستند؛ این باور که اسلام دینی خشن و مروج خشونت و مولد تروریسم است. / فخمی (۱۳۸۹) با بررسی موردی فیلم فتنه به بیان این مطلب پرداخت که اسلام هراسی در اروپا با ساختن فیلم‌هایی تظیر فتنه روز به روز در حال افزایش است. مرشدی زاده (۱۳۸۷) به بررسی علل و ریشه‌های اسلام هراسی پرداخته است. در این مقاله اسلام هراسی در اروپا بررسی می‌شود تا بدین پرسش پاسخ داده شود که چرا این پدیده در اروپا بروز کرد و در سال‌های اخیر شدت گرفت. برای بررسی این موضوع به عوامل تاریخی، فرهنگی و سیاسی توجه شده است. برای آشنایی ابتدایی با موضوع، ابتدا مفهوم و دلالت‌های اسلام هراسی و سپس وضعیت کشورهای اروپایی در این خصوص به صورت گذرا بررسی شده است. نتیجه این مطالعات حکایت از آن دارد که عادی سازی اسلام هراسی با هدف هژمونیک سازی الگوی سیاسی لیبرال، به هدفی راهبردی برای جامعه غربی تبدیل شده است.

حقوق زنان مسلمان یکی از مهم‌ترین سوژه‌های غرب در موضوع حقوق بشر

در بسیاری از کشورهای اروپا، پس از حوادث ۱۱ سپتامبر شاهد افزایش حملات به مسلمانان هستیم. نسبت عمده‌ای از تمامی حملات گزارش شده به مسلمانان دربردارنده

حملات لفظی است. کسانی که به دلیل ظاهر خود، به عنوان مسلمان شناخته می‌شوند، به‌ویژه در معرض آزار و اذیت در خیابان و مکان‌های عمومی دیگر قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، زنان مسلمانی که روسری به سر می‌کنند و مردان مسلمان (و سیک) با ریش و عمامه بیش از دیگران قربانی این حوادث هستند. در فرانسه، ۷۰ درصد تمامی حملات صورت گرفته علیه افراد مسلمان که توسط یک سازمان مسلمان ثبت شده است، دربردارنده حمله علیه زنان مسلمانی است که روسری به سر داشتند (مرشدی زاد، غفاری هاشجین، ۱۳۸۷: ۱۲۳-۱۲۲). حضور زنان با پوشش اسلامی و در عرصه‌های مختلف، پس از انقلاب اسلامی ایران و گرایش روزافزون زنان به حجاب در کشورهای اسلامی که بیان‌گر برگشت به هویت دینی در میان ملت‌های مسلمان است، موجب شد تا یکی از مهم‌ترین سوژه‌های غرب در موضوعات حقوق بشر به زنان مسلمان و حقوق آنان اختصاص یابد (سعید، ۱۹۷۸: ۱۳). بدین وسیله زنان مسلمان پای بند به دین و فعال در عرصه‌های مختلف به‌ویژه ایرانیان به واسطه شاخصه حجاب مورد توجه خاص غرب و رسانه‌های غربی قرار گرفته‌اند، به گونه‌ای که حجم قابل توجهی از فضای تبلیغاتی رسانه‌های غرب با شعار دفاع از حقوق زن مسلمان بستری برای اعمال خشونت‌های روانی علیه آنان شد. با در نظر گرفتن این مطلب که رسانه اولین ابزار عملیات روانی است (صلاح نصر، ۱۹۹۰). غرب در تبلیغات رسانه‌ای خود می‌کوشد تا اسلام و نظام جمهوری اسلامی را به عنوان نظام ضد حقوق زن به افکار عمومی جهان معرفی کند (صفاوردی: ۳).

بدون شک، یکی از اهداف تبلیغات ضد اسلامی در غرب، هراساندن مردم مغرب زمین از اسلام است؛ در این گونه تبلیغات با استفاده از ابزارهای گوناگون از قبیل فیلم‌ها، کتاب‌ها، مطبوعات و اینترنت، به مخاطب غربی القا می‌شود که اسلام در حال پیش‌روی و گسترش است و به زودی در غرب، به دلیل ارزش‌ها و تعالیم مترقی و منطقی آن به اسلام گرایش پیدا می‌کنند.

غرب با همه این اوصاف از طریق رسانه‌هایی نظیر تلویزیون، مجلات، رادیوها، با وارونه جلوه دادن حقایق، مسلمانان را تروریست نشان می‌دهد (افخمی و نیک ملکی، ۱۳۸۹: ۹۱).

رفتارهای تبعیض آمیز علیه زنان مسلمان

نمایندگان مسلمان در اتریش از جمله شاهد بوده‌اند که زنان مسلمانی که روسری به سر می‌کنند، اغلب در یافتن شغل، به ویژه مشاغلی که با مشتریان سر و کار دارد، با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌شوند؛ برای مثال، کار مجموعه‌های دیده بان در هلند و سوئد و سوابق حقوقی مربوط به دانمارک و دیگر کشورها این احساس را تقویت می‌کند که تبعیض علیه زنان مسلمانی که روسری می‌پوشند، در بازار کار مشکلی قابل توجه است. به علاوه، گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد مسلمانانی توسط مقامات دارای انگیزه‌های دینی مورد تبعیض واقع شده‌اند. اجتماعات مسلمان در چند کشور تحت پوشش این گزارش به هنگام درخواست برای کسب مجوز افتتاح عبادتگاه یا حتی در هنگام کسب اجازه برای دفن عزیزان خود در گورستان‌های عمومی با رفتاری تبعیض آمیز روبه‌رو شده‌اند. مأموران دولتی در موارد متعددی در فرانسه تنها در صورتی حاضر شده‌اند که زنان مسلمان کمک کنند که آن‌ها روسری خود را بردارند، و از جمله این موارد مراسم ازدواج بوده است. بر طبق گزارش‌هایی از انگلستان، اسپانیا، یونان و دیگر کشورها، مسلمانان از ۱۱ سپتامبر در معرض احراز هویت خودسرانه و دستگیری توسط پلیس قرار گرفته‌اند (مرشدی زاد، غفاری هاشجین، ۱۳۸۷: ۱۳۴).

رسانه‌های غربی و جهت‌دهی منفی افکار عمومی علیه زنان مسلمان

رسانه‌های غربی هر روز به صورت مستقیم و غیر مستقیم از طریق بیان دروغین و یا حذف بخشی از واقعیت، با استفاده از تصاویر یا کلمات، به صورت سرگرمی، خبر، آگهی و... حوزه‌هایی از معنی و ارتباط، و نماد را تولید می‌کنند، که در رابطه با زنان مسلمان محجبه آن‌ها به عنوان "دیگری" در مقام فرودستی قرار داده شده و از طریق کلیشه‌سازی و مشروعیت بخشی به تحکیم و حفظ روابط قدرت- دانش اقدام می‌کنند. مطابق با دیدگاه *هال* در مورد کلیشه‌سازی، رسانه‌های غرب در بازنمایی زنان مسلمان محجبه در راستای تقویت کلیشه‌های ساخته‌شده درباره گروه‌های فرودست عمل می‌کنند، و با تکرار چنین کلیشه‌هایی آن را طبیعی و حقیقی جلوه می‌دهند در حالی که این کلیشه‌ها هرگز به شکل ناب و خالص ارائه نمی‌شود و همواره با حذف

بخشی از واقعیت به بازنمایی فرودستی زنان تأکید می‌شود (صفاوردی: ۳۲). کشورهای غربی از طریق جهت‌دهی به رسانه‌ها تلاش می‌کنند تا ساختار ایدئولوژی کشور خود و دنیا را شکل داده و تحت تأثیر قرار دهند. بنابراین در تولیدات رسانه‌ای خود به جای اخذ رویکرد بی‌طرفانه در انعکاس وقایع و حقایق، بر اساس گرایش ایدئولوژیکی خود یعنی نظام سلطه جهانی و منافع صاحبان قدرت فعالیت می‌کنند (رویکرد انعکاس ارادی هال). (صفاوردی: ۲۸).

بعد دیگر مواجهه با اسلام در رسانه‌های غربی، زمانی است که می‌کوشند با تمرکز بر وضعیت فرهنگی مهاجران مسلمان در جوامع اروپایی، اسلام را عامل عدم تطابق مسلمانان با جامعه میزبان معرفی کنند و از این طریق تصاویر غیر واقعی و کلیشه‌ای از اسلام و مسلمانان ارائه دهند. /دوارد سعید در این مورد می‌نویسد: «در میان مردم امریکا، اروپا و در دنیای امروز، اسلام به صورتی ناخوشایند نشان داده می‌شود. رسانه‌های غربی، دولت‌هایشان و استراتژیست‌های ژئوپولتیکی وابسته به این کشورها، همه در تلاش‌اند تا اسلام را به عنوان تهدیدی ضد بشریت و به ویژه ضد غرب نشان دهند» (سعید، ۱۳۷۸: ۱۵۵).

رسانه‌ها نه تنها عامل خنثایی نیستند بلکه به انجام وظیفه‌ای می‌پردازند که هم ایدئولوژیک است و هم سیاسی. برای مثال، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در نوامبر ۲۰۰۵ در بیانیه‌ای رسمی موضع و دیدگاه دولت آمریکا پیرامون حقوق زنان ایرانی را به شرح زیر در رسانه‌ها تشریح کرد: دولت نسخه‌ای از اسلام را تبلیغ می‌کند که زنان را به طور مؤثر از برخی حقوق در نظر گرفته شده برای مردان محروم می‌سازد. جداسازی بر مبنای جنسیت، بدون در نظر گرفتن مذهب در سراسر کشور اعمال می‌شود که می‌تواند برای آن‌هایی که پیرو قوانین سختگیرانه مذهبی اسلامی نیستند، ایجاد مزاحمت کند. زن‌ها باید در بخش جداگانه‌ای از اتوبوس‌های عمومی قرار بگیرند و از ورودی‌های جداگانه‌ای وارد ساختمان‌های دولتی، دانشگاه‌ها و فرودگاه‌ها شوند. نقض کنندگان این محدودیت‌ها با مجازات‌هایی مانند شلاق یا جزای نقدی روبه‌رو هستند. حضور زنان در رویدادهای ورزشی ممنوع است اما اینطور به نظر نمی‌رسد که این محدودیت در همه جا به طور کامل اعمال شوند.

با اینکه از شدت اجرای قوانین سنتی پوشش اسلامی اخیراً کاسته شده اما زنان هنوز هم در انتخاب نوع پوشش خود در ملأ عام آزاد نیستند. در صورتی که پوشش یا رفتار زنان نامناسب تشخیص داده شود، آن‌ها در معرض تهدید مأموران قرار گرفته و به شلاق یا حبس محکوم می‌شوند. طبق قانون، نمایش دادن تصویر زنان، از جمله زنان خارجی‌ای که پوشش آن‌ها با معیارهای سنتی اسلامی مطابقت نداشته، در رسانه‌ها ممنوع است. رعایت نکردن معیارهای پوشش اسلامی در محیط کار، مجازات‌هایی مانند شلاق و جزای نقدی در پی دارد (صفاوردی: ۴-۳). ژانت آلبرشسن در همان اوان در روزنامه وزین استرالین مقاله‌ای نوشت و تلاش کرد تا چنین استدلال کند که تجاوز به عنف توسط مردان مسلمان، نزد رهبران مسلمان محلی امری قابل بخشش به حساب می‌آید و آنان مردان جوان را از مسئولیت اخلاقی خود مبرا می‌کنند. این تحریف جدی واقعیت‌ها بود. سروت کدور از دیدگاه زنان مسلمان جوان که در استرالیا پرورش یافته بودند، در سال ۲۰۰۲ چنین نوشت: «اکنون سال‌هاست که روندی در رسانه‌ها ظهور پیدا کرده است؛ یعنی شیطانی جلوه دادن اسلام و مسلمانان... این اخبار، بینشی نسبت به جهان اطراف در اختیار ما می‌گذارند. جهانی که در آن مجاهدین، تروریست خوانده می‌شوند و صراط مستقیم، بنیادگرایی اسلامی نامیده می‌شود».

او به طور مشخص درباره چهره‌ای که از زنان مسلمان ارائه می‌شود، چنین می‌گوید: «روزنامه نگاران و نویسندگان بدون اینکه هیچ گونه بینشی نسبت به اسلام داشته باشند، نگرش دین اسلام نسبت به زنان را محکوم می‌کنند. در رسانه‌ها ما دائماً افرادی ضعیف و مطیع دینی به تصویر کشیده می‌شویم، که در پی سرکوب و سلطه یافتن هستیم. نسبت به زنان مسلمانی که پوشش اختیار کرده‌اند، دلسوزی می‌شود و آنان قربانی نظام مردسالارانه جلوه داده می‌شوند. ولی این اصلاً صحیح نیست. ما در اسلام، از جایگاهی دارای احترام و برابر برخورداریم» (اسلام هراسی در رسانه: ۱۲۳-۱۲۲).

حجاب اسلامی، نماد اسلام در سرزمین غرب

امام خمینی از حجاب به عنوان نماد اسلام در برابر نماد غرب یاد کرد و غربی‌ها از حجاب و پوشش اسلامی واهمه داشتند. وی فرمود: «زنانی که انقلاب کرده‌اند، زنانی

هستند که پوشش اسلامی داشته‌اند و یا دارند. عروسک‌هایی که بزرگ می‌کنند و به خیابان‌ها می‌آیند و سر و سینه و موی و فرم بدن خود را نشان می‌دهند، بر ضد شاه قیام نکردند. هیچ کار مفیدی انجام ندادند. نمی‌دانند خود را چگونه مفید قرار دهند. نه به صورت اجتماعی، نه به صورت سیاسی و نه حتی به صورت حرفه‌ای و تخصصی و این بدین دلیل است که خود را به نمایش می‌گذارند برای مردان، و این حواس پرتی می‌آورد و آزارشان می‌دهد، همچنین باعث حواس پرتی سایر زنان و آزار و حسرت آنان می‌شود» (پایگاه اطلاع رسانی حوزه).

به اعتراف ژنرال‌های فرانسوی حاکم بر الجزایر، الجزایر را حجاب زنان آن کشور از چنگان آنان بیرون آورد؛ وقتی راهپیمایی زنان محجبه ایران را مشاهده کردند، زنگ خطر برای جهان لیبرال دمکراسی به صدا درآمده بود. (پایگاه اطلاع رسانی حوزه) امام پرده از واقعیتی برداشت که انقلاب با آن پیروز شد و استمرار انقلاب ما بستگی به حفظ و پاسداری از این پرچم است. حکومت‌های غربی و کشورهای داعیه دار آزادی و حقوق بشر، با تصویب قوانین و مقررات منع حجاب، زنان مسلمان محجبه را تحت فشار قرار داده و از حداقل حقوق شهروندی هم چون حق آموزش، اشتغال، دفاع و احقاق حق در دادگاه‌ها و حق استفاده از امکانات عمومی شهری نظیر وسایل حمل و نقل عمومی، درمانگاه‌ها، پارک‌ها، کتابخانه‌ها و... محروم می‌کنند؛ به طوری که زن مسلمان مجبور شود یکی از دو رویکرد «پایبندی به اعتقادات و ارزش‌های اسلامی خود» و یا «حضور به شکل بی حجاب در جامعه و انجام فعالیت‌های اجتماعی» را انتخاب کند!

بدیهی است که این همه فشار علیه حجاب اسلامی، تنها تهاجم به یک حکم یا یک نماد اسلامی و یا حمله به یک فرد مسلمان نیست؛ بلکه نشان هراس از فرهنگ اسلامی است که در نمادی به عنوان حجاب، خود را نشان داده است. بنابراین، اسلام ستیزی و اسلام هراسی و مظاهر آن؛ یعنی مقابله با حجاب اسلامی، ریشه در مخالفت با اسلام و فرهنگ اسلامی دارد و به نظر می‌رسد که هر روز در حال گسترش است.

تصویب قانون منع حجاب در مدارس و دانشگاه‌های فرانسه، اذیت و آزار زنان مسلمان محجبه و تروریست خواندن آنان و... نشان از ترس و واهمه جهان غرب دارد که درآمدزایی آنان بستگی به فرهنگ عریان‌گری و فلسفه لذت است. امروز حجاب زن

مسلمان فراتر از یک اعتقاد، به یک سمبل اسلام اصیل و استکبارستیز مبدل شده است. در مطالعه‌ای درباره روزنامه‌های آلمان (آوریل - اوت ۲۰۰۳) مقالات زیادی یافت شد که به مذهب و به طور دقیق‌تر اسلام و مسلمانان می‌پرداختند و تنها دو مقاله به ادیان و مذاهب دیگر پرداخته بودند. چهار مقاله از ده مقاله به روسری زنان اشاره داشتند که ناشی از اقدام یک معلم مسلمان در درخواست از دادگاه عالی فدرال برای این بود که به او اجازه داده شود در مدرسه روسری خود را سر کند.

جای هیچ شکی وجود ندارد که بحث روسری مدت زمان زیادی در رسانه‌ها مطرح بوده است و احتمالاً در آینده نیز چنین خواهد بود، چون تصمیم درباره اینکه آیا معلمان باید اجازه پوشیدن روسری داشته باشند و یا اینکه آیا باید پوشیدن روسری در نهادهای دولتی مجاز دانسته شود یا خیر، هنوز در بیش‌تر ایالات آلمان حل نشده است. بحث درباره این موضوع اغلب همراه با اسلام هراسی مطرح می‌شود. در مقاله‌ای در فرانکفورت راندشا، سخنی از گرهارد شرور صدر اعظم وقت آلمان علیه پوشیدن روسری نقل شد. او گفته بود کسی که می‌خواهد در آلمان زندگی کند باید به قوانین آلمان احترام بگذارد و زبان آلمانی یاد بگیرد. نویسنده، این گفته را زیر سؤال نمی‌برد، گرچه رابطه بین دانستن زبان، احترام به قانون و روسری، اصلاً روشن نیست. وزیر آموزش و پرورش در ایالت بادن ورتمبرگ نخستین ایالتی که لایحه‌ای بر ضد معلمان روسری به سر، به تصویب رساند - بر این اصرار می‌ورزد که روسری باید ممنوع شود چون نه تنها نمادی مذهبی است بلکه نماد سیاسی بنیادگرایی به شمار می‌رود و با قانون اساسی آلمان سازگار نیست.

نماد گرایی سیاسی روسری به موضوع اصلی تبدیل شده است. یک سال پیش، رئیس شورای مرکزی مسلمانان در آلمان در مصاحبه‌ای اعلام کرد که در صورت ممنوعیت روسری، این امر مانعی بر سر راه جذب مسلمانان ایجاد خواهد کرد. شباهت چشمگیری در اینجا با مواضع گروه‌های آلمانی محافظه کار وجود دارد که روسری را مانعی در راه جذب مسلمانان به شمار می‌آورند.

موضوع فرشته لودین، زن جوان افغان - که به عنوان معلمی در بادن ورتمبرگ آموزش دیده بود - هنگامی که درخواست کرد تا به او اجازه داده شود روسری بر سر کند، ابعاد وسیعی پیدا کرد. او دعوی خود را در چندین دادگاه بدوی تا دادگاه قانون

اساسی فدرال مطرح کرد. این دادگاه در حکم نهایی خود که در سپتامبر ۲۰۰۳ صادر کرد بر ضرورت برخورد با تمامی ادیان و مذاهب در آلمان به طور یکسان تأکید کرد. این حکم بدون درنگ به عنوان تصمیمی غیر سودمند، مورد انتقاد واقع شد، ولی این امر مانع از ظهور قوانین ضدّ روسری نشد. تصمیم دادگاه قانون اساسی فدرال، مباحث بسیار عاطفی و مداومی را میان سیاستمداران، روزنامه نگاران و مردم برانگیخت؛ اینکه چرا برخی متخصصان و دانشگاهیان جوان مسلمان، همچنان روسری بر سر می‌کنند، تا چه اندازه تحت تأثیر سازمان‌های افراطی قرار دارند و تا چه اندازه معلّمان در مدارس ایالتی باید ظاهر بیرونی شان بی‌طرفانه به نظر برسد. قضیه لودین نشان می‌دهد که مقامات ایالتی در آلمان مانند بخش قابل توجهی از جمعیت، همچنان روسری را شهادی بر جهان بینی غیر دموکراتیک، دین سالار و در نتیجه جزم گرایانه تصوّر می‌کنند. معلّمان محجبه با این سوء ظن مواجه‌اند که نوعی جهان بینی عقب افتاده را بر دانش‌آموزان خود تحمیل می‌کنند و تهدیدی بالقوه نسبت به آموزش دموکراتیک و دارای تساهل به حساب می‌آیند. گفتمان روسری به آهستگی از این مسأله که آیا روسری باید ممنوع شود به این سمت حرکت می‌کند که در کجا باید مجاز باشد. آیا این موردی از اسلام هراسی است؟ این امر را می‌توان اینگونه تفسیر کرد که با ردّ گفت‌وگو، پیامی به کلّ جمعیت فرستاده می‌شود که خطری در این موضوع نهفته است و مشخصاً خطر عدم جذب ذکر می‌شود(اسلام هراسی در رسانه: ۱۲۷-۱۲۵).

نمودهای عمده اسلام هراسی

بدرفتاری با زنان با حجاب یکی از نمودهای عمده اسلام هراسی است که آسیب‌پذیری بیش‌تر زنان در مقایسه با مردان را نشان می‌دهد(قنبرلو، ۱۳۸۹: ۱۱۰). سرکوب زنان مسلمان به ویژه ازدواج‌های اجباری، توجّه سیاستمداران و نیز رسانه‌ها را به خود جلب کرده است. در حالی که هیچ دلیلی برای محکوم نکردن ازدواج‌های اجباری و سرکوب زنان وجود ندارد، رسانه‌ها اغلب ازدواج‌های اجباری و تربیت یافته را با یکدیگر مخلوط می‌کنند و این برداشت را به دست می‌دهند که تعداد بسیار زیادی از ازدواج‌های مسلمانان اجباری هستند، گرچه داده‌های قابل اعتماد در این باره موجود نیست(اسلام

هراسی در رسانه: ۱۲۷). در انگلستان شاهد به قتل رسیدن مسلمانان منچستر و لندن بودیم و در اوج آن با پیروزی بخش عظیمی از نیروهای ضد اسلامی اروپا در مجلس این اتحادیه، شاهد قوانین دست و پا گیر دیگری ضد مسلمانان باشیم و در کنار این حوادث تلخ، قتل محجبه باردار مصری *مروه الشربینی* بخشی از طرح اسلام هراسی باید دانست. البته در سال‌های اخیر طرح اسلام ستیزی در شبکه‌های خبری غربی مانند فاکس نیوز و شبکه‌های غربی منطقه همچون العربیه در قالب ایران هراسی دنبال می‌شود (افخمی، نیک ملکی، ۱۳۸۹: ۹۲).

قتل زن مصری تبار ساکن آلمان، *مروه الشربینی*، در دادگاهی در درسدن آلمان یکی از نمودهای جدید اسلام هراسی در اروپا است که در اول اوت سال ۲۰۰۹ اتفاق افتاد. این زن ۳۲ ساله حدود یک سال پیش از قتل به علت حجاب‌اش مورد آزار و توهین یک مرد ۲۸ ساله روس تبار تبعه آلمان، آکس ونیز، قرار گرفته بود که در پی شکایت *الشربینی* و تشکیل دادگاه، متهم شاکی را در برابر خانواده‌اش با ۱۸ ضربه چاقو به قتل رساند. این اقدام موجی از خشم و اعتراض مسلمانان را به دنبال داشت. رویدادهای مربوط به زنان مسلمان، گاه برای نمونه به قتل‌ها و یا جنایات ناموسی ربط داده می‌شود (اسلام هراسی در رسانه: ۱۲۸).

تبعیض و تحقیر مسلمانان در مطبوعات، فیلم‌ها و نماهنگ‌های تبلیغاتی کشورهای غربی نیز فراوان بوده است. در بسیاری از فیلم‌ها به اشکال پنهان و آشکار سعی می‌شود چهره‌های بی اخلاق، متحجر و خشن از مسلمانان به نمایش گذاشته شود (قنبرلو، ۱۳۸۹: ۱۱۰). یکی از نمایندگان ارشد حزب محافظه گرای رئیس جمهور فرانسه ۲۲ دی ماه ۱۳۸۸ طرحی را پیش از موعد مقرر برای ممنوعیت روبنده زنان مسلمان در خیابان‌ها و اماکن عمومی به مجلس این کشور ارائه کرد. هرچند این طرح توسط *ژان فرانسوا کپه* به عنوان رئیس جمهور "یو. ام. پی" مجمع ملّی فرانسه مورد انتقاد متحدان سیاسی خود قرار گرفت (نیوز روم واحد مرکزی خبر، ۱۳۸۸).

سال ۲۰۰۴ نیز قانونی مسلمانان را از پوشیدن روسری و سایر نمادهای بارز دینی در کلاس‌های درس منع کرد که این قانون مشکلات بسیاری برای دختران دانش آموز با حجاب همراه داشت. در حالی که پیروان اسلام پس از کاتولیک، دومین جمعیت بزرگ

دینی کشور فرانسه هستند و جامعه مسلمانان این کشور بزرگ‌ترین جامعه اقلیت اروپا را تشکیل می‌دهند. نیکلای سارکوزی در موضع‌گیری خود ضدّ حجاب در مجلس فرانسه گفت: حجاب نشانه بردگی، ناامیدی و یأس زنان مسلمان است و من از پیشنهاد نمایندگان در خصوص درخواست آنان از مجلس برای جلوگیری از گسترش حجاب زنان در فرانسه حمایت می‌کنم.

وی خطاب به زنان با حجاب گفت: «دوست دارم رسماً بگویم که در جمهوری فرانسه به شما خوش آمد گفته نمی‌شود و فرانسه نمی‌تواند بپذیرد و تحمل کند که زنان مثل زندانی در پشت میله‌های زندان زندگی کنند و از زندگی اجتماعی محروم باشند». در هلند و چند کشور اروپایی نیز از ساخت مساجد جلوگیری شد؛ در بعضی از ایالت‌های بلژیک، آلمان و اتریش نیز قانون منع حجاب اعمال شد (قانون منع حجاب و تعارض آن با اصول دموکراسی).

بازتاب زنان مسلمان در سینمای هالیوود

سینمای هالیوود نیز تمام تلاش خود را در نشان دادن نقشی منفی از زنان مسلمان به کار برده است. در نظام رسانه‌ای غرب، به ویژه سینمای هالیوود، همواره این پیام کلی به ذهن و ضمیر ناخودآگاه مخاطبان جهانی القا می‌شود که سرچشمه تمام اعمال خشن، غیر انسانی، تروریستی و اخلال در نظم جهانی و به طور کلی، هر رویداد غیرمنتظره‌ای که در جهان اتفاق می‌افتد، مسلمانان هستند. مبنای این کنش مسلمانان نیز ریشه در آموزه‌های مذهبی آن‌ها، یعنی اسلام دارد. این رسانه‌ها برای القای این پیام، از شگردهای متعددی استفاده می‌کنند و تا کنون در قالب صدها فیلم، مجموعه تلویزیونی، پویانمایی و بازی‌های رایانه‌ای، به این موضوع به طور مستقیم و غیر مستقیم توجه داده و اسلام و مسلمانان را با القاب و عناوین خاص، مسبب بسیاری از وقایع اتفاق افتاده معرفی کرده‌اند.

از جمله شگردهای تخریبی آن‌ها، توسل به حربه انگ‌زنی، توهین، تحقیر و تمسخر صریح و ضمنی است. روشن است که این القائات به علت تنوع قالب‌ها، تکرار موضوعات، تنوع پردازش‌ها، تکرارپذیری و بهره‌گیری از ضمایم، به تدریج، به ضمیر ناخودآگاه

مخاطب نفوذ و رسوخ کرده، زمینه نوعی شرطی سازی ذهن و تداعی معانی را در نظام ادراکی او ایجاد می‌کنند(معرفت: ۱۰۶).

مسلمانان در فیلم‌های هالیوودی، به عنوان انسان‌های خشن، جنگ طلب، عصبی، خشک مقدس، بنیادگرا، افراطی، تمامیت خواه، مقلدان غیر خلاق، مخالف با پیشرفت، صنعت و فناوری، مخالف آزادی‌های اجتماعی، طرفدار مردسالاری و زن ستیزی، غوغاسالار، تروریست، دارای زندگی‌های خانوادگی شلوغ همراه با انواع محنت‌ها و تلخی‌های مستمر خانوادگی، افرادی کاملاً احساسی با زندگی‌های یکنواخت و خالی از تفریح و تنوع، کودک آزار، سرکوب کننده نیازهای جنسی افراد تحت تکفل و در عین حال، ارضاکنده افراطی و حیوانی نیازهای جنسی خود در قالب راه انداختن حرمسرا، افرادی متعصب، و بسیار ساده لوح معرفی می‌شوند(همان: ۱۲۱).

سابقه اسلام هراسی در سینما را حتی پیش از تأسیس سینمای هالیوود در سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۲ دانسته‌اند. اولین فیلمی که تصویری منفی از مسلمانان ارائه کرده است را می‌توان فیلم «فاطیما می‌رقصد» (ادیسون، ۱۸۹۷) دانست که در این فیلم، زنی عرب و رقاصه تمام تلاشش را برای فریب مردان به کار می‌برد.

فیلم «در سرزمین خون و غسل» (آنجلینا جولی، ۲۰۱۱) در قالب یک درام عاشقانه به توجیه جنایات صرب‌ها علیه مسلمانان بوسنی می‌پردازد. داستان این فیلم درباره رابطه عاشقانه یک سرباز صرب با یک زن مسلمان بوسنیایی است.

فیلم «ربوده شده ۲۱» (پیر مور، ۲۰۰۹) به داستان دزدیدن دختر یک مأمور امنیتی سازمان سیا توسط قاچاقچیان انسان مسلمان می‌پردازد. این مأمور در قامت یک منجی و قهرمان به نبرد با آدم‌رباها می‌رود و فرزندش را نجات می‌دهد. در این فیلم مسلمانان انسان‌هایی تبه‌کار، فاسد، بدخو و جانی نشان داده می‌شوند. این فیلم که در کشور ترکیه و شهر استانبول تصویربرداری شده، محله‌های توریستی و غربی را زیبا و امن نشان می‌دهد، اما هر جا محل تجمع مسلمانان است، تیره و آلوده ترسیم شده و زنان محجبه و برقع پوش شبیه به اشباحی در تاریکی به نمایش درآمده‌اند(مهدی زاده، سلیمانی ساسانی، ۱۳۹۵: ۲۰۵). گفتمان ایران هراسی نیز جایگاه برجسته‌ای در سینما داشته است. به طوری که می‌توان ادعا کرد که گفتمان ایران هراسی و اسلام هراسی در

بسیاری از فیلم‌ها، در کنار یکدیگر، اهداف یک فیلم را پیش برده‌اند. البته قریب به اتفاق تمام فیلم‌های ساخته شده در حوزه گفتمان ایران هراسی بعد از واقعه انقلاب اسلامی در ایران تولید شده‌اند. ظهور این گفتمان در سال‌های اخیر برجستگی بیش‌تری یافته است. به طوری که در سال‌های اخیر تولیدات بسیار زیادی در قالب گفتمان ایران هراسی در سینمای جهان و خصوصاً سینمای هالیوود تولید شده است.

فیلم «بدون دخترم هرگز» (دیلبرت، ۱۹۹۱) یکی از مشهورترین این فیلم‌هاست. این فیلم روایتی از زندگی زنی آمریکایی به نام بتی است که به همراه دختر و شوهرش دکتر محمودی به ایران سفر می‌کند ولی با کشوری پر از وحشت و دلهره روبه‌رو می‌شود. مذهبی جلوه دادن افرادی که حقوق زنان را ضایع می‌کنند و بسیار دروغ می‌گویند در این فیلم وجود دارد.

فیلم «پرسپولیس» (ساتراپی، ۲۰۰۷) در خلال روایت داستان دختر نوجوان ۱۴ ساله‌ای پس از وقوع انقلاب اسلامی مدعی می‌شود که فضای حاکم بر جامعه ایران دیگر مناسب زندگی نیست. بنابراین نوجوان یادشده توسط خانواده‌اش برای ادامه زندگی به اروپا فرستاده می‌شود.

«سنگسار ثریا» (نورسته، ۲۰۰۸) درباره زنی به نام ثریاست که به دلیل اعتقاد بر باورهایش و ایستادگی در برابر شوهرش، از طرف وی به ارتباط نامشروع با مردی دیگر متهم می‌شود و در آخر سنگسار می‌گردد. وحشیانه بودن حکم مجازات زناکار در اسلام و نقض حقوق بشر.

در فیلم «شرایط» (کشاوری، ۲۰۱۰) موضوعاتی همچون دین و مذهب، هم‌جنس‌گرایی، سرکوب، آزادی و ... مورد بررسی قرار می‌گیرد. ولی موضوع اصلی فیلم شرایط هم‌جنس‌بازان در ایران است (مهدی زاده، سلیمانی ساسانی، ۱۳۹۵: ۲۰۷-۲۰۶).

تئو ونگوگ هلندی، فیلمی به نام «تسلیم» ساخت که در صحنه‌هایی از آن آیات قرآنی بر روی بدن برهنه یک زن نقاشی می‌شد. ونگوگ افکار شدیداً ضد مذهبی داشت و در برنامه‌های تلویزیونی و مقاله‌هایش به انتقاد از اسلام پرداخت و مسلمانان را عقب‌مانده و قرون وسطایی نامید. در فیلم «تسلیم» اسلام عامل اصلی سرکوب زنان مسلمان معرفی می‌شد؛ وی همواره به روحانی‌های مسلمان هلند حمله می‌کرد. ونگوگ

در کتابی به نام «الله ... بهتر می‌داند» که بعد از ۱۱ سپتامبر نوشت، امام جماعت‌های هلند را به نفرت از زنان متهم کرد (افخمی و نیک ملکی، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

همچنین دولت هلند برای معرفی این کشور به عنوان بی‌بندوبارترین کشور اروپا فیلمی را در اختیار مهاجران قرار می‌دهد که نشان‌گر این امر است که در هلند عریان بودن و هم‌جنس‌بازی به روال عادی در جریان است. منتقدان سیاست‌های سختگیرانه دولت هلند در خصوص مهاجرت، هدف تهیه این فیلم و آزمون افکار عمومی درباره آن را تلاش دولت هلند برای ناامید کردن مسلمانان از مهاجرت به این کشور ارزیابی می‌کنند؛ زیرا مسلمانان به واسطه محتویات و موارد مطرح‌شده در این فیلم آزرده خاطر خواهند شد. دولت هلند همچنین برای جلوگیری از ورود زنان مسلمان جوان به این کشورها شرط سنی و درآمدهای بالا را قرار داده است (همان، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

گرت وایلدرز رهبر راست‌گرایان هلند، {سازنده فیلم فتنه} سیاستمداری اسلام‌ستیز است که بیش‌ترین جنجال را به دلیل اندیشه‌های اسلام‌ستیزانه‌اش در هلند به پا کرده است. وی از سال ۲۰۰۴م زمانی که *تئو ون‌گوگ* کارگردان هلندی به علت ساخت فیلم *موهن «تسلیم»* کشته شد، تحت حمایت پلیس زندگی می‌کند. *وایلدرز* پیش از این نیز در اظهاراتی خواستار زندانی کردن زنان روبنده‌دار، ممنوعیت استفاده از قرآن در هلند و پرداخت پول به مهاجران مسلمان برای ترک این کشور شده بود (همان، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

ساخت فیلم «فتنه» توسط گرت وایلدرز، اسلام‌ستیز راست‌گرای هلندی، تلاش دیگری در مواجهه با اسلام می‌باشد. این فیلم سرشار از دروغ و توهین علیه اسلام و پیامبر و مسلمانان واقعی است.

در صحنه‌هایی از این فیلم سنگسار زنان زناکار و اعدام هم‌جنس‌گرایان در ایران اشاره شده است. در مصاحبه‌ای گفته می‌شود: «اگر همسر یا خواهر من با فردی نزدیکی کند، من بی‌تردید وی را خواهم کشت». در صحنه‌هایی دیگر از این فیلم نیز قمه خوردن کودکان شیعه عراقی توسط مادرانشان در عاشورا و اعدام زنی افغانی توسط طالبان در زمین فوتبالی در کابل نشان داده می‌شود.

در بخش دوم، فیلم بر حضور مسلمانان در هلند و اروپا متمرکز می‌شود و تفاوت باورهای دینی آنان را درباره زناکاران و جهاد و روابط هم‌جنس‌گرایانه برجسته می‌سازد و

آن‌ها را به عنوان خطری برای جوامع اروپایی مطرح می‌کند(افخمی و نیک ملکی، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

فیلم «قواعد تعامل»(قوانین مبارزه با دشمن)(۲۰۰۰) حمله نیروهای دریایی آمریکا به زنان و بچه‌های عرب را امری معمولی و بی اهمیت نشان می‌دهد، چون به ادعای ویلیام فردکین سازنده فیلم، هر یک از این زنان و بچه‌ها تروریست‌هایی هستند که دغدغه اصلی‌شان قتل و ترور است(دارابی، ۱۳۹۵: ۱۴).

پیام‌های رسانه‌های غربی در بازنمایی حجاب زنان مسلمان

«رواج روزافزون شبکه‌های ماهواره‌ای، گسترش سرسام‌آور سایت‌های اینترنتی، پرشمار شدن تعداد نشریات و روزنامه‌ها و افزایش میلیونی شمارگان آن‌ها، تأثیرگذاری بر نگرش‌ها و نظرات مخاطبان را روز به روز سهل‌تر کرده است؛ از همین روی گفته می‌شود که رسانه‌ها کار را برای برخی حکومت‌ها دشوار کرده‌اند. به ویژه اگر رسانه‌هایی که از آن‌ها تحت عنوان "استکبار رسانه‌ای" یاد می‌شود، عملیات رسانه‌ای خویش را معطوف به یک کشور سازند و آن را با تهدیدات فراوانی روبه‌رو می‌سازند»(نایینی، ۱۳۹۱: ۸۸۱).

در جمع‌بندی یک تحقیق آمده است: «مشکل اصلی معرفی مسائل منفی در کنار نام اسلام نیست؛ بلکه مهم آن است که بر اثر اینگونه برنامه‌های جهت‌دار، به تدریج ابعاد فرهنگی اسلام، کارکردهای مثبت آن در زندگی روزمره، معتقدان و نیز دیگر نکات برجسته این دین از اذهان عمومی در غرب محو می‌شود»(افخمی و نیک ملکی، ۱۳۸۸: ۹۳ و ۴۴).

رسانه‌های غربی در بازنمایی حجاب به عنوان ضد حقوق زن بودن پیام‌های متعددی منتشر می‌کنند. نویسندگان غربی با تفکرات و دیدگاه‌های سیاسی مختلف و همچنین زنان مسلمان سکولار از جوامع اسلامی در یک اتفاق واحد تلاش می‌کنند تا هرگونه خشونت نسبت به زنان مسلمان را به قوانین اسلامی ربط دهند و با طرح پاره‌ای از قوانین حقوقی همچون حق طلاق، خروج زن از خانه، تعدد زوجات، حق حضانت، دیه، ارث، سنگسار و... نتیجه بگیرند نگاه اسلام و قوانین قرآن زن را موجودی درجه دوم تصویر کرده و لذا اعمال و رفتارهای غلط از سوی مردان مسلمان به روح اسلام و قوانین حقوقی آن برمی‌گردد: «نقض حقوق زنان در کشورهای اسلامی ریشه قوانین دینی دارد»

(رادیو آمریکا: ۱۹۸۲/۸/۴). زندگی زنان در کشورهای اسلامی مخوف است. آنان زندانی می‌شوند، تحقیر می‌شوند، به آنان صدمه زده می‌شود و هرگاه کسی بخواهد علیه این خودکامگی دیوانه‌وار خشونت مردان قد علم کند، با فجیع‌ترین مقاومت‌ها صدایش را در گلو خفه می‌کنند (شری شلفر، ۱۹۹۰).

در این راستا رسانه‌های غربی با انعکاس موفقیت‌های زنان مسلمان غیر محجبه با بازنمایی، روش زندگی و ایدئولوژی غربی این زنان وضعیت ایشان را مثبت نشان می‌دهند. اکثر این رسانه‌ها به گونه‌ای کاملاً هدفدار تمامی زنانی را که پای‌بندی به ارزش‌های ملی و دینی خود دارند را انسان‌هایی عقب مانده، خشن، کثیف، بی منطق، متعصب، بی سواد و زشت ترسیم می‌کند (دیگری) و تمامی کسانی که تمایلات غربی خود را در غالب بی حجابی، خوردن مشروبات الکلی، عدم پای‌بندی به دین و فرهنگ ملی نشان می‌دهند و زبان انگلیسی نیز می‌دانند، انسان‌های متمدن، با فرهنگ، خوش‌رو و خوش‌سیما ترسیم می‌کند، انسان‌هایی که ارزش آزادی غربی را می‌دانند (خود یا طرفدار خود) (صفاوردی: ۳۵).

آزادی زن در غرب؛ تعبیری ظاهرگرایانه

در نگرش مکاتب غربی، با حذف نماد دین از زندگی انسان، نوعی هنجارشکنی تجدّدخواهانه شکل گرفت و بالاترین آزادی، آزادی از قیود دینی معرفی شد. در این میان با شعار دفاع از حقوق زن، تأکید بر آزادی و گشودن عقده‌های مربوط به گذشته، آزادی مطلق فردی با محور تفکر "اومانستی" و حول محور "فمینیسم غربی" تبلیغ شد و زن را ملعبه و ابزار دست مردان دیو سیرت و کارتل داران اقتصادی قرار داد تا آنجا که زنان غربی در حد مانکن تبلیغاتی کالاهای لوکس، کوچک و نابود شدند.

البته در غرب، زنان زیادی هستند که با تأکید بر ملاک‌های انسانی و دینی، با نابودی و ستم "تجدّدآبانه غربی" بر زنان مقابله می‌کنند؛ عزت و حرمت واقعی زن را باور دارند و حقوق واقعی خود را به درستی پاس می‌دارند، ولی کم نیستند کسانی که در بن بست هویتی موهوم گرفتار شده‌اند. این زن‌ها پشت و پشیمان‌ترین‌های مغازه‌های پاریس و سواحل جزایر مدیترانه، با عرضه اندام‌های شهوانی به تحریک شهوت مردان مشغول‌اند و خود را به اصطلاح "زنان آزاده جهان" معرفی می‌کنند؟! (مختاری، ۱۳۸۸: ۱۲۴-۱۲۳).

آزادی زن در غرب تنها تعبیری است ظاهرگرایانه و در عمل اینگونه نیست. این آزادی تنها توهمی است که انسان این عصر گرفتار آن است. زنان به خیال اینکه نداشتن پوشش مناسب برای آنان آزادی است این امر را پذیرفته‌اند. غافل از اینکه این کار مساوی با ذلت آن‌ها است و کرامت خود را از دست می‌دهند.

در جوامع غربی زنان نقش اول فیلم‌ها را ایفا می‌کنند و اگر در فیلمی زنی خودنمایی نکند، آن فیلم چندان فروش نخواهد رفت. از این موضوع درمی‌یابیم که زن غربی نه فقط آزاد نیست، بلکه اسیر است؛ زیرا مانند کالا در همه جا مبادله می‌شود و اگر خود را در معرض دید قرار ندهد خریداری ندارد (مختاری، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

نفی خانواده و نقش مادری

تفکر فمینیسم، خانواده را به منزله جایگاه اصلی پابرجایی ستم بر زنان معرفی کرده و معتقد است که مهم‌ترین عامل فرودستی زنان، نظام خانواده و کارخانه‌ای است. آن/وکلی از جمله فمینیست‌هایی است که از ضرورت منسوخ شدن خانواده، سخن به میان آورده است. وی با یادآوری سخن لنین که گفته بود: «زمانی که نیمی از جمعیت در آشپزخانه اسیر شده‌اند، هیچ ملتی نمی‌تواند آزاد باشد»، راه آزادی زنان خانه دار را در این سه دستور العمل خلاصه می‌کند:

۱. نقش زن خانه دار باید منسوخ گردد؛
۲. خانواده باید منسوخ گردد؛
۳. نقش‌های جنسیتی به طور کلی باید منسوخ شوند؛

به گفته وی «تنها موهبت خانواده برای زنان، کارآموزی مستقیم در نقش زن خانه‌دار است. به این دلیل، منسوخ شدن این نقش، مستلزم منسوخ شدن خانواده و جایگزین شدن مناسباتی بازتر و انعطاف پذیرتر است که به هر یک از آن‌ها اجازه می‌دهد سرنوشت جداگانه خود را دریابد» (بستان، ۱۳۸۲: ۱۰۸). /وکلی در این باره می‌نویسد سپردن کودکان فقط به دست زنان لزوماً بهترین یا طبیعی‌ترین راه نجات کارها نیست. او معتقد است تصوّر وجود غریزه مادری در جوامعی پا می‌گیرد که برخی افراد یا گروه‌ها به طور مستقیم از نابرابری‌های جنسیتی بهره می‌برند (هاشمی، ۱۳۸۷).

نقش برتر زنان مسلمان از دیدگاه امام خمینی (ره)

از منظر امام به سبب نقش برتر زن است که بیگانه جهت افساد جامعه برای زنان برنامه‌های بیش‌تری تدارک دیده است. او می‌گفت: «نقشه این بود که این بانوان را از آن مقام اصیل بزرگی که دارند کنار بزنند و به خیال خودشان نیمی از این جمعیت ایران را آزاد کنند! دیدید که چه جور "آزاد" کردند... خواستند نتیجه بگیرند که کار اصیل را از دست این‌ها بگیرند {تا} تربیت اولاد را این‌ها نتوانند بکنند» (امام خمینی، ۱۴۲۱ ق: ۴۰۳).

امام خمینی در جای جای اظهارات خود نسبت به خطراتی که متوجه زنان است هشدار دادند. تأکیدات امام بر رعایت و حفظ عفاف و حجاب در همین جهت قابل تفسیر است. وی که از حضور زنان در میدان‌های گوناگون مبارزه یاد کردند. سفارش داشتند که زنان مواظب باشند بازیچه بدخواهان قرار نگیرند که رعایت حجاب و عفاف در این جهت مهم است. گاه از نقش زن پاکدامن، معتقد و مجاهد در کنار نقش‌های طبیعی همسری و مادری یاد کرد زیرا نسل آینده محصول و نتیجه عنایت و تربیت صحیح است. شرافت مادری را بر شأن پدری افضل و با نقش پیامبران (ع) قابل قیاس دانست. چراکه زن با تربیت طفل صالح سبب اصلاح جامعه می‌گردد (حیدری نسب و خدایار، ۱۳۹۳: ۹۳).

«خارجی‌ها از مردان و زنان بافضیلت می‌ترسند. آن که خدمتی می‌کند به آن‌ها شخصی است که فضیلت انسانی خودشان را از دست داده است. آدمی که به دین خودش، به کشور خودش، به ملت خودش، خیانت می‌کند، این دیگر فضیلت انسان به هیچ وجه ندارد. آن‌ها یک همچو اشخاصی می‌خواستند. یک اشخاصی می‌خواستند که از فضایل انسانی منحط باشند تا به درد آن‌ها بخورند و برای آن‌ها خدمت بکنند. یک انسان فضیلت دار، یک انسان متعهد، یک انسانی که به خودش احترام قائل است، به مذهب خودش احترام قائل است، به درد آن‌ها نمی‌خورد؛ مخالف با مسیر آن‌هاست. این‌ها می‌خواهند انسان در این شرق نباشد. این‌ها می‌خواهند که زن‌های بافضیلت در شرق نباشد. یک دسته زن‌هایی باشند مطابق میل آن‌ها عمل بکنند. و این‌ها نمی‌توانند بافضیلت باشند» (امام خمینی، ج ۷: ۴۴۳-۴۴۲).

نتیجه بحث

حضرت امام(ره) که برای اجرای احکام الهی تشکیل حکومت اسلامی را ضروری می‌دید و برای زنان در ایجاد تحوّل، نقشی برتر قائل بود ضمن ستایش از نقش برتر زنان در جریان انقلاب و دفاع، به حضور ایشان در سطوح میانی حکومت و مشروط به رعایت موازین اخلاقی و آسیب ندیدن نقش‌های ویژه‌اش چون مادری و همسری سفارش داشت. وی انحطاط زن را سبب انحطاط جامعه و هدف نقشه‌های بدخواهان می‌شمرد و اصلاح و پیشرفت جامعه را در گرو تربیت صحیح انسان می‌دانست که این مهم از طریق افزایش ایمان و بصیرت زنان با تأسی به عترت(ع) محقق می‌گردد و با صلاح و اصلاح زن و ایفای نقش برتر او در تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی کلّ جامعه به حرکت درمی‌آیند و در نتیجه همگان به سعادت می‌رسند.

زنان شیعه، با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی در طول تاریخ تشیّع، با پرداختن به اساسی‌ترین کار که همان مادری است، بلندترین گام‌ها را برای حفظ ولایت برداشتند. آنان، با نقش آفرینی خود، ارزش ولایت و دوستی ولیّ خدا را به فرزندان خود منتقل کردند؛ نظر به اهمیت و نقش بی‌بدیل حضور دین در زندگی به نظر می‌رسد مهم‌ترین رسالت زنان، توجه به تقویت بنیان‌های دینداری در فرزندان خود می‌باشد؛ چراکه نسل بدون دین، با اعتقادات سست و بی‌اساس، هرگز نمی‌تواند حافظ حکومت ولایی باشد.

مدعیان جهانی سازی، حکومت الهی و ولایی را تنها معارض تحقق همسان‌سازی فرهنگی جهان با فرهنگ غرب می‌دانند و با بهره‌گیری از همه توان سعی در تخریب این فرهنگ دارند. آن‌ها برای تسلط بر منافع ملت‌ها، در پی تشکیل ناتوی فرهنگی هستند و با استفاده از امکانات زنجیره‌ای متنوع و بسیار گسترده رسانه‌ای... در پی تخریب هویت ملی جوامع بشری هستند. چراکه نسل بدون دین، با اعتقادات سست و بی‌اساس هرگز نمی‌تواند حافظ حکومت ولایی الهی باشد.

کتابنامه

- امام خمینی، روح الله. ۱۴۲۱ق، صحیفه امام، ج ۱۸، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. بستان، حسین. ۱۳۸۲ش، نابرابری و ستم جنسی، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. سعید، ادوارد. ۱۳۷۸ش، پوشش خبری اسلام در غرب، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. صفاوردی، سوسن. بازنمایی حجاب زن مسلمان در رسانه‌های غربی (جنبه‌های حقوقی و سیاسی). کچویان، حسین. ۱۳۹۱ش، انقلاب اسلامی و انفتاح ایران، تهران: انتشارات سوره مهر. نایینی، علی محمد. ۱۳۹۱ش، اصول و مبانی جنگ نرم، تهران: نشر ساقی.

مقالات

- افخمی، حسینعلی و محمد نیک ملکی. ۱۳۸۹ش، «اسلام هراسی در اروپا، بررسی موردی فیلم "فتنه"»، رسانه، سال بیستم، شماره ۳. پایگاه اطلاع رسانی حوزه، مرداد ۱۳۸۸، «پرچمی که «مروه شربینی» بلند کرد»، مجله امتداد، شماره ۴۳. حسن خانی، محمد. «اسلام هراسی در رسانه‌های غربی، مطالعه موردی روزنامه تایمز چاپ لندن»، ۱۳۸۹، رسانه، سال بیستم، شماره ۳. حیدری نسب، علی رضا و دادخدا خدایار. پاییز و زمستان ۱۳۹۳، «جایگاه و نقش زنان در حکومت اسلامی در دیدگاه امام خمینی(ره)»، دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال سوم، شماره ششم. دارابی، علی. تابستان ۱۳۹۵ش، «هالیوود و اسلام هراسی در دیپلماسی رسانه‌ای ایالات متحده؛ آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر»، جستارهای سیاسی معاصر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره دوم، صص ۲۰-۱. قنبر لو، عبدالله. پاییز و زمستان ۱۳۸۹ش، «۱۱ سپتامبر و گسترش پدیده اسلام هراسی در غرب»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره دوم، صص ۱۰۳-۱۲۲. مختاری، محمد حسین. پاییز و زمستان ۱۳۸۸، «زن و رؤیای آزادی در غرب»، طهورا، سال دوم، شماره چهارم، صص ۱۲۴-۱۲۳. مرشدی زاد، علی و زاهد غفاری هاشجین. پاییز و زمستان ۱۳۸۶، «اسلام هراسی در اروپا، ریشه‌ها و عوامل»، دانش سیاسی، سال سوم، شماره دوم، صص ۱۱۳-۱۳۹.

مهدی زاده، سید محمد و مجید سلیمانی ساسانی. بهار و تابستان ۱۳۹۵، «اسلام هراسی و ایران هراسی در سینمای هالیوود، تحلیل فیلم سینمایی "غیر قابل درک"»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات قدرت نرم، سال ششم، شماره چهاردهم.

هاشمی، خدیجه. تابستان ۱۳۸۷ش، «مقایسه تطبیقی منزلت زن در الهیات فمینیستی و دکترین مهدویت»، مشرق، سال دوم، شماره ششم.

Bibliography

- Hassan Khani, Mohammad, Islamophobia in the Western media, A Case Study of the Times, London, 2010, Media, 20th, No. 3
- Khehviai, Hossein, 1391, Islamic Revolution and Prophecy of Iran, Tehran, Sura Mehr Publications, pp. 203- 224
- Morshedi Zad, Ali and Ghaffari Hashjin, Zahid, Islamophobia in Europe, Origins and Factors, 2008, Political Knowledge, Third Year, No. 2- Autumn and Winter 2007, pp. 113-139
- Saffardi, Susan, Representation of Muslim women's veil in Western media (legal and political aspects)
- Afkhami, Hossein Ali and Nick Maleki, Mohammad, Islamophobia in Europe, Case Study of Fetnah, 2010, Media, 20th Year, No. 3
- Saeed, Edward, 1999, Coverage of Islamic News in the West, Translation by Abdul Rahim Ghaahi, Office of the Publishing of Islamic Culture, Tehran
- Islamophobia in the media, the arena of art and thought, No. 32-123
- Ghanbar Lo, Abdullah, September 11, and the spread of the phenomenon of Islamophobia in the West, 2010, Contemporary Political Researches, Research Institute for Humanities and Cultural Studies, First Year, No. 2, Autumn and Winter 2010, pp. 103-122
- Heidari Nasab, Ali Reza, Khodayar, Dadkhoda, The Status and Role of Women in Islamic Government in the Viewpoint of Imam Khomeini (RA), Two Years of Islamic Awareness Studies, Third Year, No. 6, Autumn and Winter 2014
- Mehdizadeh, Seyyed Mohammad and Soleimani Sassanid, Majid, Islamophobia and Iranophobia in Hollywood, cinematic analysis "Incomprehensible", Quarterly Journal of Soft Power Studies, Sixth Year, No. 14, Spring and Summer of 1395
- Darabi, Ali, Hollywood and Islamophobia in US media diplomacy; the United States after September 11; contemporary political research by the Institute of Humanities and Cultural Studies, seventh, second issue, summer of 1395, pp. 20-1
- Nayini, Ali Mohammad, 2012, The Principles and Principles of Soft War, Publishing Saki, Tehran
- Mokhtari, Mohammad Hussein, Woman and Dreams of Freedom in the West, Tahoura, Second Year, No. 4, Autumn and Winter 2009; pp. 124-123
- Portal of Imam Khomeini, Sahifeh Imam, vol. 7, pp. 445-444
- Bostan, Hossein, Inequality and Sexual Oppression, p. 108, First Edition, Department of Research and Universities, Qom, 2003

نقش و جایگاه زنان در اسلام هراسی با رویکردی به دیدگاه امام خمینی (ره) (۴۳۳/)

Hashemi, Khadijeh, Comparative Comparison of Women's Status in Feminist Theology and the Doctrine of Mahdism, Mashreq, Second Year, No. 6, Summer 2008

Imam Khomeini, Ruhollah, 1421 AH, Sahifeh Imam, Tehran, Institute for the Setting up and Publishing of Imam Khomeini Works, Beat, J 18

Basin Information Base, Maghreb Umdad, August 2009, No. 43, the flag that marveled Marwah Sherbini



The Role and Status of Women in Islamophobia with an Approach to Imam Khomeini's Viewpoint

Zahra Alizadeh: Assistant Professor, Faculty of Islamic Education, Islamic Azad University, Dashtestan Branch, Bushehr

Mina Sadat Tabatabaei: Assistant Professor, Faculty of Islamic Education, Islamic Azad University, Meymeh Branch, Isfahan

A'zam E'temadifard: Assistant Professor, Faculty of Islamic Education, Islamic Azad University, Yazd Branch

Abstract

Islamophobia is a phenomenon that is taking place in various political, social and cultural fields and women are now being used by Western powers as a tool to spread Islamophobia, as the issue of women is one of the most important and strategic issues of all societies. This issue has long existed in societies among thinkers and in the various morals and habits of nations. The widespread and heavy wave of media ads has always been based on the fact that Muslim women are under the most severe pressure and do not enjoy any of their legal and religious freedoms. In contrast, non-Muslim women enjoy gender justice and own freedoms and rights equal to men and are rapidly making progress. This study initially tries to provide a comprehensive definition of Islamophobia and then surveys the rights of Muslim women, discriminatory behavior against women and the reflection of Muslim women in Hollywood cinema; and finally Qur'anic strategies to deal with this phenomenon are discussed.

Keywords: Islamophobia, Muslim women, Islamic veil, media.